

اشاره

در کارراهه شغلی ام که کار علمی و اجرایی کرده ام همواره بر این باور بوده ام که علوم در کنار هم می توانند به کار آیند و برای آدمی مثمر ثمر گردند. علوم از هم گسسته و پاره پاره شده قدرت درمانگری ندارند و نوعی بد ریختی و ناموزونی در توسعه را به وجود می آورند که امروزه در جامعه با آن رو به رو هستیم. فناوری های پیشرفته علمی، به دست کسانی که فاقد علم روابط انسانی اند گرفتار شده و دستگاه های پیشرفته با شیوه های پس رفته معجون تلخی را برایمان تدارک دیده اند. عالمان در اتاق های کوچک اندیشه خود گرفتار آمده اند و از دیدار یکدیگر روی برتافته اند. گوئی از هم قهرند و یا یارای سخن گفتن با هم ندارند چون که هریک زبان دیگری را نمی دانند. اسارت تجزیه علوم، از کلی نگری با زمان داشته و در تو در توی علم های کوچک از هم گسیخته، پیشرفت علم به معنای موسع آن به بن بست رسیده است.

سلسله مراتب اداری بر علم هم سرایت کرده و بالا نشینی و پایین نشینی بعضی علوم را مقهور علوم دیگر کرده است و پاره ای پیشرفت ها و موفقیت های عملی یک رشته آن را ممتاز نشان داده و این توهم ناساز را ایجاد کرده که این علوم ناجی انسان هایند و بقیه دانش ها باید خدمتگزار آنان باشند.

به هر تقدیر از دوره روشنگری، تقسیم و تقلیل علم به رشته های تخصصی گوناگون و افراط در این فروکاهیدن علم به اجزاء کوچکتر و از آنها تخصص های جدید ساختن، خسران های بزرگی را برای تمدن بشری به بار آورده است و در این میان نهادهای علمی داخلی نیز با تخصصی کردن بیش از حد متعارف و اجبار دانشگاه ها و موسسات علمی به انتشار نشریات باریک تخصصی به این زیان شدت بخشیده اند. به طنز شبیه است آئین نامه ای که نشر مجله مدیریت عمومی را قدغن کرده و باید نشریه مدیریت در تخصص های جزئی چون بازرگانی و بازاریابی یا بیمه یا صنعتی یا دولتی باشد. در زمانی که علوم بین رشته ای مطرح است و می رود تا معرفت کلی جایگزین معرفت های جزئی شود، این حرکات خبر از نا آگاهی و محدود فکری می دهد که ناگوار است.

"تالس" که آوازه او بیشتر بدین علت است که وی حیات همه چیز را از آب میدانست و پایه گذار یکپارچگی و وحدت در طبیعت^۱ بود به حق اولین گام را در همگرایی علوم با هم برداشته است. اگر ایده او را بپذیریم باید به این نتیجه برسیم که نظریه های مختلف در مورد اجزاء طبیعت که همه سرچشمه از آب دارند می توانند با هم سازگاری پیدا کنند و یک نظریه یکپارچه و کامل را به وجود آورند که یکپارچگی علوم را محقق سازد و اجزاء مختلف در خود جای دهد.

^۱ در کتاب آسمانی ما نیز (سوره انبیا آیه ۳۰) آب دخالت تامی در هستی همه موجودات زنده دارد.

از آن زمان (عصر تالس) تاکنون این افسون^۲ (یکپارچگی دانش) اهسته و فزاینده، پیچیده تر شده و بر اندیشه علمی خیمه زده است.

در فیزیک مدرن تمرکز این اندیشه بر یکپارچه کردن همه نیروهای طبیعت یعنی نیروی الکتروضعیف، نیروی قوی و نیروی گرانشی است به این امید که با ادغام استوار نظریه ها، علم به یک دستگاه فکری "کامل" تبدیل شود که صرفاً بر شالوده شواهد و منطق وزین، بتواند در برابر تجدید نظر بایستد. سایه این افسون به دیگر عرصه های علم نیز گسترش یافته و به علوم اجتماعی و انسانی نیز سرک کشیده است. (ویلسون، ۱۹۹۸)^۳

از این رو نشریه توسعه علوم انسانی فرصتی فراهم آورده تا سرآمدان رشته های علوم انسانی که در فرهنگستان علوم گردهم آمده اند دیدگاه های خود را در این جریده بازتاب دهند و در تضارب آراء و تعاطی اندیشه های این بزرگان صاحب اسرار باشد که به آن معرفت کلی و دانش یکپارچه علوم انسانی نزدیکتر و نزدیکتر شویم.

سید مهدی الوانی

^۲ ویلسون این حرکت به سوی یکپارچگی و معرفت کلی را افسون ایونی نام نهاده است و این اصطلاح را از "جرالد هولستن" فیزیکدان و مورخ به عاریه گرفته است که به ایونا (Iona) محل تولد تالس اشاره دارد.

^۳ ادوارد ویلسون (۱۹۹۸)، یکپارچگی دانش، ترجمه محبوب، ۱۳۹۸، تهران: نشر نی